

عنوان مقاله:

گره خوردگی غنایی و اجتماعی در شعر بهار

محل انتشار:

فصلنامه مطالعات زبان و ادبیات غنایی، دوره 9، شماره 31 (سال: 1398)

تعداد صفحات اصل مقاله: 20

نویسندگان:

رقیه رجیبی قاضی کندی - دانشجوی دوره دکترای دانشگاه ارومیه

عبدالناصر نظریانی - گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه ارومیه ایران.

علیرضا مظفری - گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه ارومیه ایران

خلاصه مقاله:

عصر مشروطه از دوره های متفاوت در تاریخ ایران است که در آن تمام جنبه های زندگی دستخوش تغییر گردید و به تبع آن شعر نیز دگرگون شد و نگاه شاعران این دوره با نگاه شاعران دوره های پیشین تفاوت کلی پیدا کرد. در این عصر همه چیز در خدمت اجتماع قرار گرفت حتی شعر. بزرگترین شاعران این دوره کسانی هستند که در متن اجتماع و حوادث اجتماعی قرار دارند و نسبت به آنها عکس العمل نشان می دهند؛ از این رو شعر این دوره شعری است صریح و شفاف با حاکمیت اندیشه، اما رگه هایی از احساس نیز در آنها می توان یافت که هرچند نمی توان شعر غنایی به معنای واقعی کلمه به حساب آورد، اما نمی توان بار عاطفی و گاه زبان نسبتا غنایی آنها را نیز نادیده گرفت. گاه شاعران تلاش می کنند در اثنای انتقال اندیشه، بار عاطفی شعرشان را نیز تقویت کنند؛ بنابراین موضوعات اجتماعی با زبانی تقریبا غنایی مطرح می شود که در چنین حالتی نوعی گره خوردگی غنایی اجتماعی در اشعارشان به وجود می آید؛ هرچند که این گره خوردگی کمرنگ باشد. این نوع تلفیق شعر غنایی و اجتماعی در شعر عارف، فرخی، عشقی، بهار و دیگرشاعران این عصر وجود دارد البته با شدت و ضعف نابرابر. شعر محمد تقی بهار به عنوان یکی از بزرگان ادبیات فارسی از این نظر قابل بحث و بررسی است؛ چراکه در این دوره، هیچ شاعری به اندازه وی با شعر کلاسیک فارسی آشنا نیست و از سیاسی ترین شاعران این دوره است.

کلمات کلیدی:

شعر غنایی، شعر اجتماعی، عصر مشروطه، محمد تقی بهار

لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/1248185>

